

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

جلسه سی یکم 99/09/11

موضوع: اجتهاد و تقلید - دلالت کلمه «مولى» بر اولولیت و سرپرستی از نظر عالمان سنی

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
و به نستعین و هو خیر ناصر و معین الحمد لله و الصلاة على محمد رسول الله و على آله آل الله
لاسيما على مولانا بقیة الله واللعن الدائم على اعدائهم اعداء الله إلى يوم لقاء الله.

پرسش:

آیا کناره‌گیری ابوبکر از خلافت به خاطر کم بودن حقوق بوده است؟

پاسخ:

بحث کناره‌گیری یا کم بودن حقوق مطرح نیست. امیر المؤمنین (سلام الله علیه) و صحابه به مسجد آمدند و همگی به حدیث غدیر و ... استدلال کردند.

دوازده تن از بزرگان صحابه به دستور حضرت امیر، بر خلافت امیر المؤمنین استدلال کردند. ابوبکر نتوانست جوابی بدهد و به خانه رفت. فردای آن روز عمر ابن الخطاب و «خالد» به همراه تعدادی زیادی از حامیان، پی او آمدند و او را به مسجد برگرداندند.

پرسش:

«ثقلین» یعنی چه؟

پاسخ:

«ثقل» یعنی گرانها. «ثقلین» نیست آنچه مشهور است حدیث «ثقلین» است.

پرسش:

اعتبار کتاب «حديقة الشيعه» چقدر است و نوشته کیست؟

پاسخ:

کتاب «حديقة الشيعه» مشهور است که اثر مرحوم «مقدس اردبیلی» است؛ ولی بعضی تشکیک کرده اند در این انتساب. البته محتویات «حديقة الشيعه» با مقام علمی مرحوم «مقدس اردبیلی» به نظر من خیلی نمی‌سازد. مگر اینکه ایشان اوائل جوانی آن را نوشته باشند.

پرسش:

درباره اسلام آوردن «معاویه»، «سلفی»ها می‌گویند قبل از «فتح مکه» اتفاق افتاده است. آیا درست است؟

پاسخ:

حتی یک روایت ضعیف هم ندارند که «معاویه» قبل از «فتح مکه» مسلمان شده باشد، بلکه در تمام جنگ‌ها، «بدر» و «احد» و ... جزو پرچمداران (سپاه مشرکین) بوده و حضرت امیر هم در خطبه 16 «نهج البلاغه» می‌فرماید:

«فَوَ الَّذِي فَلَقَ الْحَبَّةَ وَ بَرَأَ النَّسَمَةَ مَا أَسْلَمُوا وَ لَكِنْ اسْتَسَلَّمُوا»

نهج البلاغه (للسبحي صالح): نویسنده: شریف الرضی، محمد بن حسین، ناشر: هجرت، محقق/

مصحح: فیض الاسلام، ص374، خطبه 16

وَلَمَّا ادَّعَى الْيَهُودُ الْخِيَابِرَةَ أَنْ مَعَهُمْ كِتَابًا نَبَوِيًّا فِيهِ إِسْقَاطُ الْجَزِيَّةِ عَنْهُمْ أَوْفَقَ ابْنُ مَسْلَمَةَ الْخَطِيبِ عَلَى هَذَا الْكِتَابِ.

فَقَالَ: هَذَا كَذِبٌ، فَقَالَ لَهُ: وَمَا الدَّلِيلُ عَلَى كَذِبِهِ؟ فَقَالَ: لِأَنَّ فِيهِ شَهَادَةَ مُعَاوِيَةَ بْنِ أَبِي سُفْيَانَ وَلَمْ

يَكُنْ أَسْلَمَ يَوْمَ خَيْبَرَ، وَقَدْ كَانَتْ خَيْبَرَ فِي سَنَةِ سَبْعٍ مِنَ الْهَجْرَةِ، وَإِنَّمَا أَسْلَمَ مُعَاوِيَةَ يَوْمَ الْفَتْحِ، وَفِيهِ

شَهَادَةُ سَعْدِ بْنِ مَعَادٍ، وَقَدْ مَاتَ قَبْلَ خَيْبَرَ عَامَ الْخَنْدَقِ سَنَةَ حَمْسٍ.

الكتاب: البداية والنهاية- المؤلف: أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير القرشي البصري ثم الدمشقي
(م 774هـ)- المحقق: علي شيري- الناشر: دار إحياء التراث العربي- ج 12 ، ص 124

پرسش:

آیا عمر حقوق امیر المؤمنین را اضافه کرد؟

پاسخ:

من چیزی در این باب ندیدم. بیت المال را تقسیم می‌کردند و هر کس به اندازه سهم خودش از بیت المال بر می‌داشت، حقوق خاصی در میان نبود. (بلکه بر عکس روایاتی دارم که) امیر المؤمنین (سلام الله علیه) از بیت المال حقوق نمی‌گرفتند و از اموالی که در «مدینه» داشتند مخارج شان تأمین می‌شده. امیر المؤمنین می‌گوید:

«دَخَلْتُ بِأَدْنَىكُمْ بِأَشْمَالِي هَذِهِ وَ رَحْلَتِي وَ رَاحِلَتِي هَا هِيَ»

وارد شهر شما «کوفه» شدم با همین جامه های مندرس و بار و بنه ام همین است (که می بینید)...

مناقب آل أبي طالب عليهم السلام (لابن شهر آشوب)؛ نویسنده: ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی (وفات مؤلف: 588 ق)، محقق / مصحح: ندارد، ناشر: علامه، قم 1379 ق، ج 2، ص 98

و روی بکر بن عیسی قال کان علی ع یقول یا أهل الكوفة إذا أنا خرجت من عندكم بغير راحلتي و رحلي و غلامي فلان فأنا خائن . فكانت نفقته تأتيه من غلته بالمدينة بينبع و كان يطعم الناس منها الخبز و اللحم و يأكل هو الثريد بالزيت.

نام کتاب: شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد- نویسنده: ابن أبي الحديد، عبد الحمید بن هبة الله متوفای 656 ق- محقق / مصحح: ابراهیم، محمد ابوالفضل- ناشر: مكتبة آية الله المرعشي النجفي-

ج 2، ص 200

حَدَّثَنَا مُحَمَّدٌ قَالَ: حَدَّثَنَا الْحَسَنُ قَالَ: حَدَّثَنَا إِبْرَاهِيمُ قَالَ: أَخْبَرَنِي يُوسُفُ بْنُ كَلَيْبِ بْنِ عَبْدِ الْمَلِكِ
عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَلِيٍّ ع
قَالَ: مَا اغْتَلَجَ عَلَى عَلِيٍّ عَ أَمْرَانِ لِلَّهِ فَطُّ إِلَّا أَحَدًا بِأَشَدِّهِمَا وَ مَا زَالَ عِنْدَكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا عَمِلَتْ يَدُهُ يُؤْتِي
بِهِ مِنَ الْمَدِينَةِ وَ إِنْ كَانَ لِيَأْخُذُ السَّوِيْقَ فَيَجْعَلُهُ فِي الْجِرَابِ ثُمَّ يَخْتِمُ عَلَيْهِ مَخَافَةَ أَنْ يُزَادَ فِيهِ مِنْ
غَيْرِهِ وَ مَنْ كَانَ أَزْهَدَ فِي الدُّنْيَا مِنْ عَلِيٍّ ع.

نام كتاب: الغارات (ط- القديمة)- نويسنده: ثقفى، ابراهيم بن محمد بن سعيد بن هلال(م283 ق)

محقق / مصحح: حسيني، عبدا لزهراء- ناشر: دار الكتاب الإسلامي. ج 1 ، ص 53

نام كتاب: شرح نهج البلاغة لابن أبي الحديد- نويسنده: ابن أبي الحديد، عبد الحميد بن هبة الله
متوفى 656 ق- محقق / مصحح: ابراهيم، محمد ابوالفضل- ناشر: مكتبة آية الله المرعشي النجفي-

ج2، ص 201

اما روايت «رياض النضره» دربارہ حقوق ابوبکر:

وعن إبراهيم بن محمد بن معبد بن عباس قال: كان رزق أبي بكر الصديق حين استخلف خمسين
ومائتي دينار في السنة، وشاة في كل يوم يؤخذ منه بطنها ورأسها وأكارعها، فلم يكن يكفيه ذلك...
يطلبه فوجده في السوق قال: فأخذ بيده فقال: تعال ههنا فقال: لا حاجة لي في إمارتكم، رزقتموني
مالا يكفيني ولا عيالي قال: فإننا نزيدك قال أبو بكر: ثلاثمائة دينار والشاة كلها...

الرياض النضره في مناقب العشرة؛ أبي جعفر أحمد (المحب الطبري وفات : 694)، ناشر: دار الكتب

العلمية - بيروت - لبنان، ج 1، ص 255

آغاز بحث...

فرمایشات مرحوم «علامه طباطبائی» را که مطالب خوب و زیادی در رابطه با آیه 6 احزاب داشتند، مطرح کردیم. در رابطه با دلالت «اولی بالمؤمنین» بر ولایت امیر المؤمنین (سلام الله علیه) مرحوم «طبرسی» می‌فرماید:

«وَأصل الولاية لله تعالى كما قال (هنالك الولاية لله) فلا حَظَّ فيها لأحد، إلا لمن وَّلاه سبحانه. وإلى هذا المعنى أشار النبي صلى الله عليه وآله وسلم يوم الغدير في قوله»

اصل ولایة برای خداست و کسی بهره ای از این مقوله ندارد مگر اینکه خدا به او ولایت را عنایت کند. و روی همین قضیه است که رسول اکرم در «غدیر» فرمود:

(ألست أولى بكم منكم بأنفسكم فلما قالوا : بلى. قال: (من كنت مولاه فعلي مولاه)»

بعد یک نکته ظریفی مرحوم «طبرسی» دارد :

«والمولى بمعنى الأولى»

«وهابی»ها می‌گویند «مولى» به معنای دوست است. اولاً اگر بخواهیم به معنای دوست بگیریم اصلاً جمله معنای درست خود را از دست می‌دهد، هر کس من دوست او هستم علی هم دوست اوست. چه معنایی دارد؟ (آیا عاقلانه و مقبول است که مردم با آن توصیفات جمع شوند تا به آنها گفته شود، ایها الناس :) هر کسی من دوست او هستم علی هم دوست او است؟!)

(ثانیا اگر هم در باب دوستی می‌خواستند چیزی بگویند، باید می‌گفتند:) هر کس من را دوست دارد علی را دوست داشته باشد.

«من كان يحبني يا يوليني فليول عليا»

این‌طور باید می‌فرمود نه اینکه: «من كنت مولاه فعلي مولاه»!

«من كنت مولاه»؛ یعنی «من كنتُ أولى به من نفسه فعلى أولى به من نفسه»

«والمولى بمعنى الأولى بدلالة قوله»

«مولى» در اینجا به معنای اولی است به دلالت:

(مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ)

جایگاهتان آتش است و همان سرپرستان می باشد.

سوره حدید (57): آیه 15

آیه 15 سوره حدید می گوید مأواى شما نار است و (هى مولاكم)؛ يعنى «هى اولى بكم»!

(مأواكم النار هي مولاكم) أي : أولى بكم».

مجمع البيان في تفسير القرآن؛ الطبرسي، الفضل بن الحسن (المتوفى 548ق)، تحقيق: لجنة من العلماء والمحققين الأخصائيين، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت، الطبعة الأولى،

1415هـ - 1995م. ج 8، ص 95

بعد قول «عبید نحوی» را می آورد. این نکته خیلی مهمی است که «وهابی»ها روی کلمه «مولى» خیلی توجه و نظر دارند. نظرات بعضی از آنها را می یاوریم:

«آمدی» که از فقها و متکلمین اهل سنت متوفای 631 است ، می گوید:

«ولا يمكن حمل لفظ المولى على الأولى فإن ذلك مما لا يرد فى اللغة أصلا»

ما نمی توانیم کلمه «مولى» را حمل بر اولی کنیم! در لغت، اصلا این معنی نیامده.

غاية المرام في علم الكلام؛ اسم المؤلف: علي بن أبي علي بن محمد بن سالم الآمدي الوفاة: 631، دار النشر: المجلس الأعلى للشئون الإسلامية - القاهرة - 1391، تحقيق: حسن محمود عبد اللطيف،

ج 1، ص 378

«ابن حجر مکی» هم می گوید:

«كون المولى بمعنى الإمام لم يعهد لغة»

این معنی ، هیچ سابقه ای ندارد!

« فلأن أحدا من أئمة العربية لم يذكر أن مفعلا يأتي بمعنى افعال»

الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقة؛ اسم المؤلف: أبو العباس أحمد بن محمد بن علي ابن حجر الهيتمي الوفاة: 973هـ دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان - 1417هـ - 1997م،

الطبعة : الأولى، تحقيق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط، ج1، ص108

این کلام ابن حجر را به یاد داشته باشید: از بزرگان لغت عرب ،احدی نگفته صیغه «مفعل» (مولى) به معنای «افعل» (اولی) می تواند استعمال شود و سابقه دارد.

«دهلوی» در «تحفه اثنی عشریه» همین را دارد:

«أن المولى بمعنى الاولى بالتصرف هو عين الامامة»

اگر بنا باشد «مولى» به معنای «اولی بتصرف» باشد، این عین امامت است و (شکی نیست)

اما :

«قلت أنك ذلك أهل العربية قاطبة مجيء مولى بمعنى الاولى»

عرب شناسان همگی استعمال «مولى» به معنای «اولی» را انکار کرده‌اند.

تحفه اثنی عشریه ص 417

که مرحوم «میرحامد حسین» بر این مطلب ردیه نوشته است.

«آلوسی» متوفای 1270 می‌گوید:

قالت الشيعة في تقرير الاستدلال بهذا الحديث: إن المولى بمعنى الأولى بالتصرف، وكونه أولى بالتصرف عين الإمامة. ولا يخفى أن أول الغلط في الاستدلال هو إنكار أهل العربية قاطبة ثبوت ورود المولى بمعنى الأولى. بل قالوا لم يجئ قط المفعول بمعنى أفعل في موضع ومادة أصلا فضلا عن هذه المادة بالخصوص، إلا أن أبا زيد اللغوي جوز هذا متمسكا فيه بقول أبي عبيدة {هي مولاكم} أولى بكم. لكن جمهور أهل العربية خطأؤه في هذا التجويز مختصر التحفة الاثني عشرية والتمسك قائلين بأن هذا القول لو صح لزم أن يقال مكان فلان أولى منك مولى منك، وهو باطل منكر بالإجماع.

روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني؛ اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين السيد محمود الألوسي البغدادي الوفاة: 1270 هـ دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج 6، ص 195

الكتاب: مختصر التحفة الاثني عشرية- ألف أصله باللغة الفارسية: علامة الهند شاه عبد العزيز غلام حكيم الدهلوي- نقله من الفارسية إلى العربية: (1227 هـ) الشيخ الحافظ غلام محمد بن محيي الدين بن عمر الأسلمي- اختصره وهذبه: (1301 هـ) علامة العراق محمود شكري الألوسي- حققه حواشيه: محب الدين الخطيب- الناشر: المطبعة السلفية، القاهرة. ج 1، ص 159

در اینجا دو مسئله وجود دارد : یک اینکه آیا لغویین گفته اند «مولى» به معنای «اولى» است یا چنین نگفته اند؟ دوم اینکه در قرآن، کلمه «مولى» با اشکال مختلف (مولاه، مولانا، مولاکم) در 14 آیه، آمده، مفسرین این «مولى» را چه معنا کرده اند؟

پنج نفر از لغت‌شناسان و بنیانگذاران لغت را می‌آوریم، «کلبی محمد ابن ساعد مفسر نسابه» (متوفای 146) معاصر امام صادق ، «فزا» که از بنیانگذاران علم لغت عرب است (متوفای 207) و معاصر امام رضا و امام جواد (سلام الله علیهما) می‌باشد. «ابو عبیده» ، لغوی مشهور (متوفای 210). «اخفش»، «زجاج»، «ابو

اسحاق» اینها از بنیانگذاران و ائمه لغت عرب هستند. «فخر رازی» که خودش از لغت شناسان بزرگ است، در تفسیرش جلد 29 در مورد آیه:

(مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَيُنْسُ الْمَصِيرُ)

جایگاهتان آتش است و همان سرپرستان می‌باشد، و چه بد جایگاهی است!

سوره حدید (57): آیه 15

می‌گوید: قال «کلبی» :

«قال الكلبی هـی مَوْلَاكُم یعنی اولی بکم»

التفسیر الکبیر أو مفاتیح الغیب؛ اسم المؤلف: فخر الدین محمد بن عمر التمیمی الرازی الشافعی
الوفاة: 604، دار النشر: دار الکتب العلمیة - بیروت - 1421هـ - 2000م ، الطبعة: الأولى، ج29،
ص198

دهلوی و آلوسی می‌گویند: «مَجِء مولى بمعنى الاولى لم يعرف ائمة العرب قاطبة» اینها یا سواد نداشته اند یا معاند بودند. «زجاج»، «فزا» و «ابو عبیده» هم ، چنین نظری دارند.

«صاحب تفسیر بحر المحيط، ابو حیان متوفای 745» در رابطه با آیه شریفه:

(قُلْ لَنْ يَصِيْبَنَا اِلَّا مَا كَتَبَ اللّٰهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللّٰهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ)

بگو: «هیچ حادثه‌ای برای ما رخ نمی‌دهد، مگر آنچه خداوند برای ما نوشته و مقرر داشته است؛ او مولا (و سرپرست) ماست؛ و مؤمنان باید تنها بر خدا توکل کنند!»

سوره توبه (9): آیه 51

می‌گوید:

«وقال الكلبی: اولی بنا من أنفسنا فی الموت والحیة»

«الله مولانا، يعنى اولى بنا، وقيل : مالکنا وسيدنا ، فلهذا يتصرف كيف شاء. فيجب الرضا بما يصدر من جهته»

تفسير البحر المحيط؛ اسم المؤلف: محمد بن يوسف الشهير بأبي حيان الأندلسي الوفاة: 745هـ
دار النشر: دار الكتب العلمية - لبنان/ بيروت - 1422هـ - 2001م، الطبعة : الأولى، تحقيق: الشيخ
عادل أحمد عبد الموجود - الشيخ علي محمد معوض، شارك في التحقيق (1) د.زكريا عبد المجيد
النوقي (2) د.أحمد النجولي الجمل، ج5، ص53

مرحوم «علامه امينى» در نقد كلام فخر رازى در «نهاية العقول»، مطالب مفصلى در الغدير دارند مثلا:
فخر رازى در " نهاية العقول " مى گويد:

وأما الذي نقلوا عن أئمة اللغة من : أن المولى بمعنى الأولى فلا حجة لهم ، إذ أمثال

هذا النقل لا يصلح أن يحتج به في إثبات اللغة فنقول : إن أبا عبيدة وإن قال في قوله

تعالى : مأويكم النار هي مولاكم : معناه هي أولى بكم . وذكر هذا أيضا الأخفش ، و

الزجاج ، وعلي بن عيسى ، واستشهدوا ببيت لبيد ولكن ذلك تساهل من هؤلاء الأئمة

لا تحقيق ، لأن الأكابر من النقلة مثل الخليل وأضرابه لم يذكروه إلا في تفسير هذه

الآية أو آية أخرى مرسلا غير مسند ، ولم يذكروه في الكتب الأصلية من اللغة . إنتهى .

(نقد علامه امينى:) ليت شعري من ذا الذي أخبر الرازي : إن ذلك تساهل من هؤلاء الأئمة لا

تحقيق ؟ وهل يطرد عنده قوله في كل ما نقل عنهم من المعاني اللغوية ؟ أو إن له مع لفظ

المولى حسابا آخر ؟ وهل على اللغوي إذا أثبت معنى إلا الاستشهاد ببيت للعرب ؟ أو

آية من القرآن الكريم ؟ وقد فعلوه .

وكيف تخذ عدم ذكر الخليل وأضرابه حجة على التسامح ؟ بعد بيان نقله عن أئمة اللغة . وليس من شرط اللغة أن يكون المعنى المذكورا في جميع الكتب ، وهل الرازي يقتصر فيها على كتاب العين وأضرابه ؟...

كتاب : الغدير- نويسنده : الشيخ الأميني متوفى : 1392 ناشر : دار الكتاب العربي - بيروت - لبنان - ج 1 ، ص 359

«ابن حجر» درباره «كلى» دارد :

«حدث عنه ثقات الناس ورضوه فى التفسير»

ابن حجر العسقلاني، أحمد بن علي (متوفى 852هـ)، تهذيب التهذيب، ج9، ص158، ناشر: دار الفكر - بيروت، الطبعة: الأولى، 1404 - 1984 م.

در مورد «فزا» دارند:

«كان ثقة إماما ... لولا الفراء لما كانت عربية»

اگر «فزا» نبود اصلاً عربيتى در كار نبود

«لولا الفراء لسقطت العربية»

تاريخ بغداد؛ اسم المؤلف: أحمد بن علي أبو بكر الخطيب البغدادي الوفاة: 463، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت، ج14، ص149

در مورد «زجاج» هم كه «سمعانى» دارد:

«النحوي الزجاج كان من اهل الفضل والدين»

دوباره عبارت اينها را تکرار می کنیم: «آمدي» می گوید:

«لا يرد في اللغة أصلاً»

غاية المرام في علم الكلام؛ اسم المؤلف: علي بن أبي علي بن محمد بن سالم الآمدي الوفاة: 631،
دار النشر: المجلس الأعلى للشئون الإسلامية - القاهرة - 1391، تحقيق: حسن محمود عبد اللطيف،
ج1، ص378

«ابن حجر» مى گوید:

«كون المولى بمعنى الإمام لم يعهد لغة فلأن أحدا من أئمة العربية لم يذكر أن مفعلا يأتي بمعنى
افعل»

ائمه عربيه نكفته اند.

الصواعق المحرقة على أهل الرفض والضلال والزندقة؛ اسم المؤلف: أبو العباس أحمد بن محمد بن
علي ابن حجر الهيتمي الوفاة: 973هـ دار النشر: مؤسسة الرسالة - لبنان - 1417هـ - 1997م،
الطبعة : الأولى، تحقيق: عبد الرحمن بن عبد الله التركي - كامل محمد الخراط، ج1، ص108

«دهلوى» مى گوید:

«أنكر ذلك أهل العربية قاطبة مجيء مولى بمعنى الاولى»

«آلوسى» هم مى گوید:

«وقد أنكر ذلك أهل العربية قاطبة»

روح المعاني في تفسير القرآن العظيم والسبع المثاني؛ اسم المؤلف: العلامة أبي الفضل شهاب الدين
السيد محمود الألوسي البغدادي الوفاة: 1270هـ دار النشر: دار إحياء التراث العربي - بيروت، ج 6،
ص 195

این «اهل العربیه» کجا گفتند؟ ما دیدیم «کلبی»، «زجاج»، «فرا»، «ابو عبیده»، «اخفش» تمامی اینها معتقد هستند کلمه «مولی» به معنای «اولی» است. در مورد «ابو عبیده» هم که «ذهبی» می‌گوید:

«لم يكن في الأرض خارجي ولا جماعي أعلم بجميع العلوم من أبي عبيدة»

میزان الاعتدال في نقد الرجال؛ اسم المؤلف: شمس الدين محمد بن أحمد الذهبي الوفاة: 748، دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت - 1995، الطبعة: الأولى، تحقيق: الشيخ علي محمد معوض والشيخ عادل أحمد عبدالموجود، ج6، ص483

«سیوطی» می‌گوید: سه نفر از پیشوایان لغت هستند و یکی از آنها «ابو عبیده» است. «اخفش» هم «من أئمة العربیه» است.

در بین «نحویین»، «ابو عبیده معمر ابن مثنی نحوی» می‌گوید:

«هِيَ مَوْلَاكُمْ " أُولَى بَكُمْ»

مجاز القرآن؛ اسم المؤلف: أبو عبيدة معمر بن المثنى التيمي (المتوفى : 209هـ) الوفاة: 209، دار النشر: ج1، ص122

«ذهبی» درباره او دارد:

«أبو عبيدة الإمام العلامة البحر»

سير أعلام النبلاء؛ اسم المؤلف: محمد بن أحمد بن عثمان بن قايماز الذهبي أبو عبد الله الوفاة: 748، دار النشر: مؤسسة الرسالة - بيروت - 1413، الطبعة: التاسعة، تحقيق: شعيب الأرنؤوط، محمد نعيم العرقسوسي، ج9، ص445

«سليمان ابن بنين دقيق نحوی» می‌گوید:

«مأواكم النار هي مولاكم أي أولى بكم»

اتفاق المباني وافتراق المعاني؛ اسم المؤلف: سليمان بن بنين الدقيقي النحوي الوفاة: 614هـ دار
النشر: دار عمار - الأردن - 1405هـ 1985م، الطبعة : الأولى، تحقيق: يحيى عبد الرؤوف جبر، ج1،
ص138

از محدثین، در «صحيح بخارى» ذيل حديث 4881 آيه 15 سوره حديد:

{مَوْلَاكُمْ} [آل عمران: 150]: «أَوْلَىٰ بِكُمْ»

الجامع الصحيح المختصر؛ اسم المؤلف: محمد بن إسماعيل أبو عبدالله البخاري الجعفي الوفاة:
256، دار النشر: دار ابن كثير ، اليمامة - بيروت - 1407 - 1987، الطبعة: الثالثة ، تحقيق: د.
مصطفى ديب البغا، ج4، ص1358، ح359

«ابن حجر عسقلانى» از استوانه‌های علمی اهل سنت است، در کتاب فتح الباری می‌گوید:

«مولاكم أولى بكم قال الفراء في قوله تعالى مأواكم النار هي مولاكم يعني أولى بكم وكذا قال أبو
عبيدة وفي بعض نسخ البخاري هو أولى بكم»

...ابو عبیده» هم همین حرف را زده در بعضی از نسخ «بخاری» همین آمده است.

فتح الباري شرح صحيح البخاري؛ اسم المؤلف: أحمد بن علي بن حجر أبو الفضل العسقلاني
الشافعي الوفاة: 852، دار النشر: دار المعرفة - بيروت، تحقيق: محب الدين الخطيب، ج8، ص628

آیاتی که در آنها کلمه «مولى» به اشکالش آمده 14 مورد است. مثلا :

سوره تحریم آیه 2 :

(وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ)

سوره حديد آيه 15:

(مَأْوَاكُمْ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ)

بقره آیه 286:

(أَنْتَ مَوْلَانَا)

سوره انعام آیه 62:

(ثُمَّ رُدُّوا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقُّ)

سوره توبه آیه 51:

(لَنْ يَصِيَّبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا)

سوره نحل آیه 76:

(وَهُوَ كُلُّ عَلَى مَوْلَاةٍ)

مفسرین چه گفته اند درباره آنها؟

«تفسیر طبری» که «ابن تیمیه» درباره آن به صراحت در «منهاج السنه» جلد 7، می‌گوید: «تفسیر طبری»:

«من التفاسیر التي يعتمد عليها في المنقولات»

ابن «طبری» در جلد 27 تفسیرش «جامع البیان»، دارد:

«هي مولاكم يقول النار أولى بكم»

جامع البیان عن تأویل آی القرآن؛ اسم المؤلف: محمد بن جریر بن یزید بن خالد الطبری أبو جعفر

الوفاء: 310، دار النشر: دار الفكر - بیروت - 1405، ج 27، ص 228

«ابو عبدالرحمن سلمی» در «حقایق التفسیر» جلد 2:

«مأواكم النار هي مولاكم أي أولى الأشياء بكم»

تفسير السلمي وهو حقائق التفسير؛ اسم المؤلف: أبو عبد الرحمن محمد بن الحسين بن موسى الأزدی السلمي الوفاة: 412هـ دار النشر: دار الكتب العلمية - لبنان/ بيروت - 1421هـ - 2001م ، الطبعة: الأولى، تحقيق: سيد عمران، ج2، ص309

«تفسير قشیری نیشابوری» یا «قشیری» متوفای 465 دارد:

«هي مولاكم أي هي أولى بكم»

تفسير القشيري المسمى لطائف الإشارات؛ اسم المؤلف: أبو القاسم عبد الكريم بن هوازن بن عبد الملك القشيري النيسابوري الشافعي الوفاة: 465هـ دار النشر: دار الكتب العلمية - بيروت / لبنان - 1420هـ-2000م ، الطبعة: الأولى، تحقيق : عبد اللطيف حسن عبد الرحمن، ج3، ص289

«حُمیدی» صاحب «الجمع فی الصحیحین»، در تفسیرش «تفسیر غریب ما فی الصحیحین» می‌گوید:

«مأواكم النار هي مولاكم أي هي أولى بكم»

تفسير غريب ما في الصحیحین البخاري ومسلم؛ اسم المؤلف: محمد بن أبي نصر فتوح بن عبد الله بن فتوح بن حميد بن بن يصل الأزدی الحمیدی الوفاة: 488هـ دار النشر: مكتبة السنة - القاهرة - مصر - 1415 - 1995، الطبعة : الأولى، تحقيق : الدكتورة: زبيدة محمد سعيد عبد العزيز، ج1، ص322

«معالم التنزيل في تفسير القرآن» نوشته بغوی که از تفاسیر مورد تأیید شان است ، در جلد 9، می‌گوید:

«مأواكم النار هي مولاكم صاحبكم وأولى بكم»

تفسير البغوي؛ اسم المؤلف: البغوي الوفاة: 516، دار النشر: دار المعرفة - بيروت، تحقيق: خالد عبد الرحمن العك، ج4، ص297

ابن جوزی در «زاد المسیر» در جلد 8، دارد:

«هي مولاكم قال أبو عبيدة أي أولى بكم»

زاد المسير في علم التفسير؛ اسم المؤلف: عبد الرحمن بن علي بن محمد الجوزي الوفاة: 597، دار

النشر: المكتب الإسلامي - بيروت - 1404، الطبعة: الثالثة، ج 8، ص 167

«تفسير بيضاوي» جلد 5، دارد:

«مأواكم النار هي مولاكم هي أولى بكم»

تفسير البيضاوي؛ اسم المؤلف: البيضاوي الوفاة: 685، دار النشر: دار الفكر - بيروت، ج 5، ص 300

«خازن» در «باب التأويل» جلد 7، دارد:

«هي مولاكم أي وليكم وقيل هي أولى بكم»

تفسير الخازن المسمى لباب التأويل في معاني التنزيل؛ اسم المؤلف: علاء الدين علي بن محمد بن

إبراهيم البغدادي الشهير بالخازن الوفاة: 725هـ دار النشر: دار الفكر - بيروت / لبنان - 1399هـ

1979م، الطبعة: بدون، تحقيق: بدون، ج 7، ص 24

«سيوطي» در «تفسير الجلالين» می گوید:

«مأواكم النار هي مولاكم أولى بكم»

تفسير الجلالين؛ اسم المؤلف: محمد بن أحمد + عبدالرحمن بن أبي بكر المحلي + السيوطي الوفاة:

911، دار النشر: دار الحديث - القاهرة، الطبعة: الأولى، ج 1، ص 721

اینها نمونه‌هایی از اقوال بزرگان از مفسیرین، نحویین و لغویین اهل تسنن است.

فرمایشی که مرحوم «طبرسی» در «مجمع البیان» دارند: ایشان به آیه (مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ) استدلال

می‌کند:

أنه مع ذلك أولى بالمؤمنين من أنفسهم من حيث إنه ولاة الله أمرهم فيلزمهم طاعته و الانقياد له و أصل
الولاية لله تعالى كما قال هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ فَلَا حَظَّ فِيهَا لِأَحَدٍ إِلَّا لِمَنْ ولاة سبحانه و إلى هذا المعنى أشار
النبي ص يوم الغدير في قوله « أ لست أولى بكم منكم بأنفسكم » فلما قالوا بلى قال «من كنت مولاه فعلي
مولاه» و المولى بمعنى الأولى بدلالة قوله «مَأْوَاكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ» أي أولى بكم و قول لبيد:

فغدت كلا الفرجين تحسب أنه مولى المخافة خلفها و أمامها

أي أولى بالمخافة .

مجمع البيان في تفسير القرآن؛ الطبرسي، الفضل بن الحسن (المتوفى 548ق)، تحقيق: لجنة من
العلماء والمحققين الأخصائيين، ناشر: مؤسسة الأعلمي للمطبوعات - بيروت، الطبعة الأولى،
1415هـ - 1995م. ج 8، ص 95

اصلاً وقتى پیغمبر می گوید: «ألست أولى بكم منكم بأنفسكم» و بعد می فرماید: «من كنت مولاه فعلي
مولاه»؛ دیگر مشخص است که اینجا کلمه «مولى» به معنای «اولی» است.
«علامه حلی» (رضوان الله تعالى علیه) می فرماید:

«ولأن للإمام منزلة النبي صلى الله عليه وآله في الولاية و قال تعالى «النبي أولى بالمؤمنين من
أنفسهم»

امام جایگاه پیغمبر را در ولایت دارد و خدا هم درباره ولایت پیامبر فرمود...

تذكرة الفقهاء (ط. ج)؛ العلامة الحلي (وفات: 726)، تحقيق: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث،
ناشر: مؤسسة آل البيت (ع) لإحياء التراث، قم 1414، ج 2 ص 40

مرحوم «محمدتقی مجلسی اول» در کتاب «روضه المتقین» جلد 1 صفحه 436 می گوید:

«فالإمام أولى بالمؤمنين من أنفسهم كما قال الله تعالى النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ»

ولایت امام، مثل ولایت پیامبر است و هر دو اولی بالمومنین من انفسهم

«و قال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم في غدیر خم أ لست أولى بكم من أنفسكم؟ قالوا: بلى يا رسول الله فقال رسول الله صلى الله عليه و آله و سلم من كنت مولاہ فعلي مولاہ كما رواه العامة و الخاصة متواترا»

روضه المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة)؛ مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، محقق/ مصحح: موسوی کرمانی، حسین و اشتهاردی علی پناه، ناشر: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، ج 1، ص 436

و ایشان در جلد 11، می گوید:

«و أما الولاء بالإمامة فيمكن إثباته من قوله تعالى (النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ) بعموم الولاء و قوله صلى الله عليه و آله و سلم متواترا : «من كنت مولاہ فعلي مولاہ»

وقتی فرموده: «النبی اولی بالمؤمنین» به صورت کلی و در غدیر هم بدین تعبیر: «من كنت مولاہ فعلي مولاہ»، ولاء بالامامة، ثابت می شود.

روضه المتقين في شرح من لا يحضره الفقيه (ط - القديمة)؛ مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی، محقق/ مصحح: موسوی کرمانی، حسین و اشتهاردی علی پناه، ناشر: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، ج 11، ص 214

در جلد 13 ، می گوید:

«و يكون أولى بالناس منهم من أنفسهم» أي هو واجب الإطاعة من الله (أو) يجب تفدية العالمين نفوسهم من الإمام كما كان للنبي صلى الله عليه و آله و سلم»

تمام دنیا باید جان شان را فدای امام بکنند.

ایشان می گوید:

تمام دنیا باید جان شان را فدای امام بکنند همان طوری که برای پیغمبر حاضرند فداء کنند.

در ادامه همین آیه را می آورد:

«و قال الله تعالى (النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ)»

و سپس اشاره به غدیر

«أ لست أولى بكم من أنفسكم؟ فقالوا: بلى»

حضرت فرمود:

«من كنت مولاہ فعلی مولاہ»

عمر هم گفت:

«بخ بخ لك يا بن أبي طالب أصبحت مولاي و مولی كل مؤمن و مؤمنة كما رواه العامة متواترا

فكيف الخاصة.»

روضۃ المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه (ط - القدیمة)؛ مجلسی، محمدتقی بن مقصود علی،

محقق/ مصحح: موسوی کرمانی، حسین و اشتهازدی علی پناه، ناشر: مؤسسه فرهنگی اسلامی

کوشانبور، ج 13، ص 243

«خطیب بغدادی» در کتاب «تاریخ» خود، جلد 9، با سند صحیح نقل کرده:

أخبرنا عبدُ اللهِ بنُ عليِّ بنِ مُحَمَّدِ بنِ بِشْرَانَ، قَالَ: أَخْبَرَنَا عَلِيُّ بنُ عُمَرَ الْكَافِظُ، قَالَ: حَدَّثَنَا أَبُو نَصْرِ حَبْشُونُ

بنُ مُوسَى بنِ أَيُّوبَ الْخَلَالُ، قَالَ: حَدَّثَنَا عَلِيُّ بنُ سَعِيدِ الرَّمْلِيُّ، قَالَ: حَدَّثَنَا ضَمْرَةُ بنُ رَبِيعَةَ الْقُرَشِيُّ، عَنِ ابْنِ

شَوْذَبِ، عَنِ مَطَرِ الْوَرَّاقِ، عَنِ شَهْرِ بنِ حَوْشِبِ، عَنِ أَبِي هُرَيْرَةَ، قَالَ: مَنْ صَامَ يَوْمَ ثَمَانَ عَشْرَةَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ

كُتِبَ لَهُ صِيَامُ سِتِّينَ شَهْرًا، وَهُوَ يَوْمُ غَدِيرِ حُمٍّ لَمَّا أَخَذَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِيَدِ عَلِيِّ بنِ أَبِي طَالِبٍ،

فَقَالَ: " أَلَسْتُ وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ؟ "، قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: " مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَعَلِيٌّ مَوْلَاهُ "، فَقَالَ عُمَرُ بْنُ
الْخَطَّابِ: بَخٍ بَخٍ لَكَ يَا بَنَ أَبِي طَالِبٍ أَصْبَحْتَ مَوْلَايَ وَمَوْلَى كُلِّ مُسْلِمٍ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ: {الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ}

الكتاب: تاريخ بغداد- المؤلف: أبو بكر أحمد بن علي بن ثابت بن أحمد بن مهدي الخطيب البغدادي
(المتوفى: 463هـ)- المحقق: الدكتور بشار عواد معروف- الناشر: دار الغرب الإسلامي - بيروت . ج 9
ص 221

آقای «ابن کثیر دمشقی» در «البدایة والنہایة» جلد 7، صفحہ 350 می‌گوید:

«اصبحت اليوم ولي كل مؤمن»

البدایة والنہایة؛ اسم المؤلف: إسماعیل بن عمر بن کثیر القرشي أبو الفداء الوفاة: 774، دار النشر:
مکتبة المعارف - بیروت، ج 7، ص 350

دیگر کلمه «مولى» هم نیاورده.

سوال شده اینکه ما به معصوم می‌گوییم پدر و مادرمان فدای تو باشد یعنی چه؟ ما در «زیارت جامعه
کبیره» می‌گوییم:

«بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ أُسْرَتِي»

من لا يحضره الفقيه؛ نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به
جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 2، ص 614

از پدر و مادر عزیزتر ما نداریم. احترام به پدر و مادر از فرزند هم بالاتر است؛ ولی پدر و مادری که این همه
عزیز هستند، وقتی به معصوم می‌رسیم، می‌گوییم پدر و مادرم فدای تو باد. در جای دیگر از زیارت می
خوانیم:

« بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمِّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي »

من لا يحضره الفقيه؛ نویسنده: ابن بابویه، محمد بن علی، ناشر: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم مصحح: غفاری، علی اکبر، ج 2، ص 616

در چند جای «زیارت جامعه کبیره» این تعبیر تکرار شده است.

خدا ان شاء الله بر توفیقات همه عزیزان بیافزاید از همه عزیزان التماس دعا داریم، در شب جمعه که «دعای کمیل» می‌خوانید و صبح جمعه «دعای ندبه» می‌خوانید و حالی پیدا می‌کنید، مخصوصاً در تهجد شب‌های جمعه (به یاد ما هم باشید)

دارد اگر بنده ای دعا کند خدای عالم دعای او را قبول می‌کند و اجابتش را به شب جمعه یا روز جمعه می‌اندازد. یک ساعت به غروب جمعه هم از ساعاتی است که دعا ان شاء الله قطعاً به اجابت می‌رسد.

ان شاء الله اگر بتوانید یک ساعت آخر جمعه، نماز حضرت ولی عصر را بخوانید، یا نماز استغاثه حضرت صدیقه طاهره (سلام الله علیها) یا «نماز عفو و نماز استغفار» که در مفاتیح است. دو رکعت است و مجموعاً 150 مرتبه «رب عفوک، عفوک» (در نماز استغفار : استغفرالله)، برای گشایش کار خیلی مفید است.

بعد از حمد و سوره 15 مرتبه در رکوع، 10 مرتبه بعد از رکوع، 10 مرتبه در سجده، 10 مرتبه بعد بین السجدهتین، 10 مرتبه دوباره در سجده، 10 مرتبه به همین شکل که 75 مرتبه می‌شود، 75 مرتبه هم در رکعت بعدی. برای گشایش و فراوانی روزی. برای کسانی که قساوت قلب دارند، در دعاها حال گریه ندارند، در نماز حضور قلب پیدا نمی‌کنند نماز عفو خیلی مفید است.

«والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته»